

تأثیر ادبیات داستانی بر رشد و تفکر کودک

دکتر زهرا ایرانمنش*

چکیده

یکی از بارزترین ویژگی‌های نگاه خردسالان و نوجوانان، عینیت بخشیدن به رخداد‌های داستان و اجتناب نویسنده از دخالت مستقیم و جانبدارانه و داوری‌های ارزشی در داستان است که ممکن است به تأثیر داستان بر خواننده خدشه وارد کند. بنابراین باید به داستان‌های ادبی به منزله یک ابزار آموزشی نگاه کرد و داستان‌خوانی را جزء برنامه‌های اصلی کودکان در مدارس قرار داد تا کودکان بتوانند از طریق گفتوگو در مورد آنها قدرت تفکر خود را بالا ببرند. نکته دیگر که باید به آن توجه کرد این است که استفاده از داستان راه تعامل بزرگسالان با کودکان را هموار می‌کند، و در عین افزایش قدرت تفکر آنها ربا رفتارها و مسائل اجتماعی آشنا می‌سازد. در مقاله حاضر سعی بر این بوده است تا ادبیات داستانی کودک مورد بررسی قرار گیرد؛ که در این راستا مفاهیمی چون ادبیات، کودک، داستان، ادبیات داستانی پرداخته شده است. سپس تأثیر ادبیات داستانی بر رشد و تفکر کودک پرداخته شده است. این مقاله با شیوه‌ی مروری - کتابخانه‌ای به جمع‌آوری اطلاعات در این زمینه پرداخته است.

واژگان کلیدی: ادبیات، داستان، کودک، رشد و تفکر، ادبیات داستانی.

Zahra.iranmanesh@yahoo.com

*استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۰۶

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۲۰



مقدمه

حضور شخصیت کودک و نوجوان در ادبیات داستانی جهان، موضوع تازه‌ای نیست و هرگاه سخن از داستان به میان آمده، ناقدان به این مهم پرداخته‌اند. در این مجال، نگارنده بر آن است با تأکید و دقت بیشتر به این حضور و فرصت‌های بی شماری که برای نویسنده فراهم می‌کند در چند نمونه از داستانهای کوتاه نویسندگان معاصر ایرانی بپردازد.

نظر به توجه خاصی که در نیمه دوم قرن بیستم به مساله دیدگاه داستان شده است، یکی از بدیهی‌ترین ویژگی‌های نگاه خردسالان و نوجوانان عینیت بخشیدن به رخ دادهای داستان و اجتناب نویسنده از دخالت مستقیم و جانب دارانه و داوری‌های ارزشی در داستان است که ممکن است به تاثیر داستان بر خواننده خدشه وارد کند. طبیعی است نگاه پاک کودک‌کان و معصومیت آنان از اغراض شخصی خاص بزرگسالان به دور است. و طبعاً با نگاه بزرگسالان که ناشی از تجربه‌های گوناگون آنها می‌شود تفاوت دارد. همین تفاوت امکان شخصیت پردازی بهتری را به نویسنده می‌دهد. تضاد میان دنیایی که شخصیت‌های جوان تصویر می‌کنند با آنچه که بزرگترها ارائه می‌دهند بازگو کننده بسیاری از واقعیت‌های اجتماعی و روان شناختی ملموس تر و مشهود تر برای خواننده است. واقعیت‌هایی مانند رنج‌های انسانی، نابرابری‌ها و بی عدالتی‌های اجتماعی، شرارت‌ها، بخل و حسادت و بدخواهی که در دنیای معصوم و به دور از دغده‌های کودکانه نمی‌گنجد و کودک‌کان در نگاه به پیرامونشان از دقتی ویژه برخوردارند که بزرگسالان از آن فاصله گرفته‌اند. به همین سبب نویسنده گاه با نگاه کودک به جهان می‌نگرد، اما با تجربه و پختگی خود در مورد آنچه در اطراف می‌گذرد به قضاوت می‌نشیند (مهرابی و همکاران، ۱۳۸۲).

در دهه‌های اخیر عده‌ای از صاحب نظران تعلیم و تربیت به این نتیجه رسیده‌اند که برای پرورش قوه قضاوت صحیح در فراگیران و ایجاد مهارت‌های استدلالی پیچیده باید به تعلیم و تربیت مبتنی بر تفکر روی آورد و از برنامه فلسفه برای کودک‌کان در قالب ادبیات داستانی سخن گفته‌اند. لیپمن بنیان‌گذار این برنامه معتقد است که نظام تعلیم و تربیت در دهه‌های اخیر دچار شکست شده و خود مقصر این شکست بوده است؛ چون اهداف این نوع تعلیم و تربیت محدود بوده و به



روش‌های پژوهشی بی‌اعتنایی کرده و همچنین موضوع‌های درسی به صورت مجزا در اختیار شاگردان قرار گرفته است و فرصت پژوهش از آن‌ها لب شده است (ایروانی و همکاران، ۱۳۹۰).

اهداف تحقیق

۱. تعریف ادبیات
۲. تعریف داستان
۳. تعریف کودک
۴. تعریف ادبیات داستانی
۵. مهم‌ترین اهداف ادبیات کودک
۶. تاریخ ادبیات داستانی کودک در ایران
۷. انواع ادبیات کودک و نوجوان
۸. تاثیر ادبیات داستانی بر رشد و تفکر کودک

سوال‌های تحقیق:

۱. ادبیات چیست؟
۲. داستان چیست؟
۳. کودک کیست؟
۴. ادبیات داستانی چیست؟
۵. مهم‌ترین اهداف ادبیات کودک چیست؟
۶. تاریخ ادبیات داستانی کودک در ایران چیست؟
۷. انواع ادبیات کودک و نوجوان چیست؟
۸. ادبیات داستانی چه تاثیری بر رشد و تفکر کودک دارد؟



گردآوری اطلاعات

تعریف ادبیات

از همان ابتدای گفته شده ادب یا ادبیات عبارت است از: «چگونگی تعبیر و بیان احساسات و عواطف و افکار به وسیله کلمات در اشکال و صورتهای مختلف» (دهخدا؛ ج ۱: حرف آ). این تعریف نیز کامل و جامع نیست، همچنان که فلاسفه و ادبای بزرگی، کتابها راجع به ادبیات نوشته اند ولی به تعریفی جامع دست نیافته اند. عده ای هم بدون تعریف وارد اهداف، ابزار و شاخه‌های ادبیات شده اند شاید، یکی از جامع ترین توصیفی این باشد که بگوییم: «مجموعه تظاهرات هنری هر قوم که در قالب کلام توصیف‌ها ریخته شده است، ادبیات آن قوم به شمار می‌آید.» (ایمن؛ ۱). در تعریفی دیگر: «ادبیات به علوم ادبی و یا آثار ادبی یک جامعه اطلاق می‌شود. در فرهنگ‌ها، ادب به معنی دانش، معرفت، روش پسندیده، خوی خوش، آزر و در ترکیبات اصطلاحی چون علم ادب به معنی علمی که انسان با داشتن قواعد آنها میتواند درست شعر بگوید و خوب چیز بنویسد آمده است» (ستوده؛: ۳۶). (ادب در فرهنگ غرب به معنی ظرافت و زیبایی و نیز نیک گفتاری و نیک کرداری است. از این رو ما در زبان فارسی مفهومی برابر با Bellesletter ادبیات، شعر و آثار زیبایی و هنری و litterata ادبیات، ادب، و هنر، مطبوعات و نوشتارها) دارد اولی پرورده‌ها و تراویده‌ها فکری است، به ویژه سنت به آنچه به صناعات سخن گفتن و نوشتن باشد و دومی، مجموعه آثار ادبی یک ملت با یک قرن یا یک دوره است» (نجفی و رحیمی؛: ۵۹). از نظر گاه دانش «زیباشناسی» تعریف ادبیات: هنریان نیات به وسیله کلمات است این معنی تقریباً معادل مفهومی است که از واژه liblerata در زبان فرانسه استنباط می‌شود بنابر این تعریف و با توجه به مفهوم هنر که «تجلی خارجی احساسات نیرومندی است که انسان آنها را تجزیه و آزمایش می‌کند و این تجلی خارجی به کمک علائم - خط‌ها، رنگ‌ها، حرکت‌ها، اشاره‌ها، صداها و کلمه‌ها، بیان می‌شود» (انون توستوی؛ ترجمه دهکان؛: ۵۹). «شاعران و نویسندگانی که آفریننده کلام زیبا در قالب شعر و نثر هستند، هنرمندند و آثار ادبی هر ملت نیز گنجینه‌ای است از مظاهر هنری افراد آن که تحریک اندیشه و احساس انسان‌ها قدرتی ناقد و پایدار ایجاد می‌کند و این آثار از لوازم زندگی ملت‌هایی است که از تمدن

برخوردارند، زیرا همچنان که علوم ریاضی و منطق، تعقل را پرورش می‌دهد، این آثار ذوق و احساس را جلا و دقت خاصی می‌بخشد.» (مندور؛ ۱۸:۱۳۳۶). و در تربیت نفس و خردمندی و باروری ذهن نقش مؤثر دارد (رزمجو؛: ۱۰).

به نظر استاد زرین کوب ادبیات عبارت است از: «تمام ذخایر و موارد ذوقی و فکری اقوام و امم عالم که مردم در ضبط و نقل و نشر آنها اهتمام کرده اند. این میراث ذوقی و فکری که از رفتگان بازمانده است و آیندگان نیز همواره بر آن چیزی خواهند افزود. همواره موجب استفاده و تمتع و التذاذ اقوام و افراد جهان خواهد بود» (زرین کوب؛: ۱۸). سمیون دبو را ادبیات را: «فعالیتی می‌داند که به وسیله انسان‌ها صورت می‌گیرد تا جهان را بر آنان آشکار کند و این آشکار کردن خود به منزله عمل است» (به نقل از نجفی؛: ۱۵۰).

«مهمترین مضامین ادبیات راهمین حقایق انسانی از قبیل: مهر و کین، بیم و امید، غم و شادی حسرت و حیرت و... تشکیل می‌دهد و به دلیل پیچیدگی، تنوع و حتی تناقض احساسات و عواطف گوناگون آدمی است که تحت تاثیر عوامل اجتماعی، تاریخی اقتصادی و... در هر دوره و سرزمینی، آثار ادبیات را دشوار یا ناممکن می‌سازد» (موسایی؛ ۱۳۸۰). در یک تعریف کلی ادبیات به تمام محصولات ذوقی عاطفی و تخیلی و فکری یک ملت گفته می‌شود که بصورت مکتوب یا به صورت نقل قول (ادبیات شفاهی) به ثبت رسیده باشد، و اما اروپائیان معمولاً در فرهنگ هایشان ادبیات را اینگونه تعریف کرده اند: «ادبیات دانشی است که شامل مجموعه آثار مکتوب یک ملت و با یک مملکت و یا یک زبان مشخص می‌شود» بر این تعریف دو ایراد اساسی می‌توان گرفت:

۱- امروزه در ادبیات هر ملتی، علاوه بر آثار مکتوب آثار غیرمکتوب ادبی نیز به چشم می‌خورد مانند بسیاری از دویتهای عامیانه و افسانه‌های محلی که از قدیم الایام سینه به سینه بین مردم نقل شده و ادامه حیات داده اند و امروزه به آن‌ها ادبیات شفاهی و می‌گوییم.

۲- آثار منظومی در زمینه‌های دانشهایی از قبیل طب، فلسفه، نجوم، ریاضی و... داریم که نمیتوانیم آنها را جزو آثار ادبی به شمار آوریم چرا که بر این باوریم که احساس و عاطفه جز لاینفک آثار ادبی است و از اینرو ادبیات بر تمام آثار مکتوب یک ملت اطلاق نمیشود. طبق آنچه گفته شد بنظر



می‌رسد علمی‌ترین تعریفی که از ادبیات میتوان ارائه داد این است که بگوئیم: ادبیات عبارت است از مجموعه آثار مکتوب و غیرمکتوب یک ملت که عواطف و احساسات آدمی را تحت تأثیر قرار دهد.

دکتر رحیم نژاد سلیم بر این اعتقاد است که تا حقیقت انسان شناخته نگردد تعریف ادبیات روش‌تر جلوه نمی‌کند چون ادبیات از علوم انسانی است وی حقیقت انسان را «اندیشه، دانش، کمال، معرفت، هستی‌شناسی، جهان‌بینی، عرفان و ایمان می‌داند» ادبیات حقایقی مانند اندیشه، عرفان، عشق، عواطف و احساسات را در آغوش دارد. ادبیات آینده تمام نمای افکار و اندیشه‌ها و عواطف و احساسات و خصوصیات رفتاری و ویژگی‌های فرهنگی یک ملت است. ادبیات علمی است که می‌تواند «فرکانس امواج صوتی مظلومان را از پشت کوه‌های سرد اعصار بگوش مصلحان برساند و علاوه بر مسائل سیاسی، اجتماعی و اخلاقی مسائل عاطفی که تنها با زبان ادبیات امکان پذیر است با ایجاد روح تازه در کالبد جامعه نقش بسزایی داشته و جزو اهم مسائل روزمره بشمار می‌آید از آنجاست که گفته‌اند: «شعر و ادبیات غذای روح است» هر جا که ملامت غالب شود بیتی زیبا و دلنشین همچون نم آب، بر گل پژمرده روح را شادابی می‌بخشد. (هادی؛ ۱۳۷۱: ۱۷). «ادبیات پدیده‌ای اجتماعی است و از پدیده‌های اجتماعی نمی‌بایست و نمی‌شود تعریف به دست داد» «ادبیات مجموعه تظاهرات هنری هر قوم است که در قالب کلام ریخته شده باشد» (هاشمی؛ ۱۳۸۱: ۴). ادبیات مجموعه‌ای بازتاب‌های آدمیان است در مقابل عوامل درونی و بیرونی که به صورت کلام همراه با تخیل و عاطفه درآمده و هدفش سعادت آدمی است. ادبیات یکی از هنرهای زیباست و وظیفه‌ی آن ساختن هنر از واژه‌هاست، همین و همین برای بعضی‌ها ادبیات همه چیز است، زیرا به آنها نوعی حس ابدیت می‌بخشد که به مراتب مانا تر از معماری است و واژه‌ها بیشتر از سنگ‌ها عمر می‌کنند.

تعریف داستان

«داستان اثر هنری منشور است که بر اساس:
۱- ماجرا (واقعی یا تخیلی) نوشته شده است.

۲- ماجرا یا مجموعه‌ای از حوادث به هم پیوسته که سرگذشت یا واقعه‌ای را بازگو می‌کند.

۳- جریان اصلی یک فیلم، کتاب، و مانند آن‌ها باشد.

۴- سرگذشت؛ حکایت است. (انوری، فرهنگ روز سخن، ص ۵۱۷).

«داستان یا ناول اثری است روایی به نثر که مبتنی بر جعل و خیال fiction باشد. اگر طولانی باشد به آن رمان و اگر کوتاه باشد به آن داستان کوتاه shortstory می‌گویند.» (شمیسا، انواع ادبی، ص ۱۵۳).

خانم دکتر سیما داد در تعریف داستان بلند می‌فرماید: «نوعی داستان است که از داستان کوتاه طولانی‌تر و از رمان کوتاه‌تر است. اغلب آن را با ناولت و رمان کوتاه و رمان یکی می‌دانند. داستان بلند، از حیث تکوین شخصیت‌ها در جریان داستان، به رمان نزدیک است. اما حدود این تکوین شخصیت و پرورش مضمون در داستان بلند از رمان محدودتر است. همچنین داستان بلند بر حادثه‌های واحد و به هم پیوسته‌ای تمرکز پیدا می‌کند و اغلب بعد رمانی کوتاه‌تر را دارد گاهی نیز تأثیر واحدی را القا می‌کند. داستان بلند، حاصل وصلتی میان رمان و داستان کوتاه است. از نمونه‌های داستان‌های بلند غرب مرگ ایوان ایلیچ، تولستوی پیرمرد دریا، ارنست همینگوی است.

از نمونه داستان‌های بلند فارسی راه آب نامه؛ جمال زاده، بوف کور، صادق هدایت، مدیر مدرسه، جلال آل احمد را می‌توان نام برد.» (داد، فرهنگ اصطلاحات ادبی، ص ۱۲۷).

تعریف کودک

شاید تعریف کلمه کودک و بیان مفهوم آن کمی خنده‌آور به نظر آید، چون ممکن است تصور شود که معنای کودک از بدهیات است. اما علمای حقوق و فقهاء به جهت تأثیرات خاصی که دوره کودکی در حقوق و تکالیف دارد اقدام به تعریف آن نموده‌اند. از نظر عرف دوره کودکی پس از نوزادی شروع و تا رسیدن به سن قانونی ادامه می‌یابد. حد فاصل میان نوزادی و نوجوانی را عرف عام دوره‌ای کودکی می‌گویند.



علماء حقوق ذیل کلمه صغیر می‌گویند: پسر و دختری که به بلوغ شرعی نرسیده است از محجورین است، به محض رسیدن به بلوغ حجر او محو می‌شود، بدون این که احتیاج به صدور حکم از سوی حاکم شرع باشد، اگر پیش از بلوغ به حدی رسد که دارای تمیز باشد او را صغیر ممیز گویند (لنگرودی، ۱۳۸۱).

همچنین ذیل واژه بلوغ می‌نویسند: سن بلوغ و رشد با پیدایش یکی از پنج وضعیت برای طفل حاصل می‌شود که عبارت از روئیدن موی در بعض قسمت‌های بدن، (در صورت، زیر بغل و اطراف آلت)، احتلام در پسران، حیض در دختران، رسیدن به سن ۹ سال تمام در دختران و ۱۵ سال تمام در پسران، و استعداد بارور شدن دختران خواهد بود (همان). اگر این ویژگی‌ها در کسی به منصفه ظهور و مشاهده نرسد کودک است و الا نوجوان یا جوان خواهد بود. و نیز گفته شده که صغار جمع صغیر است و در اصطلاح «صغیر» به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمانی و روحی لازم برای زندگانی اجتماعی نرسیده باشد (طاهری، ۱۳۷۶). فقها هم در بخش‌های وسیع از فقه به تناسب بحث، به تعریف کودک پرداخته‌اند. حضرت امام خمینی (ره) در تحریر می‌فرماید: «الصغیر وهو الذی لم يبلغ حد البلوغ محجور علیه شرعا لا تنفذ تصرفاته فی أمواله» صغیر کسی است که به حد بلوغ نرسیده باشد، این شخص از تصرفات در اموال خود ممنوع خواهد بود و در ادامه می‌افزاید: هر چند که در کمال تمیزی و رشد باشد و تصرفاتش در نهایت سود و صلاح صورت گیرد. (موسوی خمینی، ۱۴۰۸). چنین شخصی از نظر فقها کودک تلقی می‌گردد.

دکتر وهبه الزحیلی در «الفقه الاسلامی و ادلته» می‌نویسد: «الصغیر: طور به کل إنسان، یبدأ من حین الولادة الی البلوغ» کودکی دوره‌ای است که به هر انسانی خواهد گذشت، آغاز آن هنگامه ولادت و پایان آن رسیدن به حد بلوغ است. و در ادامه می‌گوید: علما حنفی و مالکی گفته‌اند: صغیر یا ممیز است یا غیر ممیز، و غیر ممیز کسی است که هفت سال تمام را سپری نکرده است. و ممیز به کسی گویند: که هفت سال تمام از عمرش گذشته است. چون پیامبر (ص) فرموده است: وقتی فرزندان‌تان به هفت سالگی رسیدند، آنان را به نماز عادت دهید (وهبه الزحیلی، ۱۴۱۸).

بنابراین مقطعی از عمر انسان به دوره کودکی اختصاص دارد، هر چند که از لحاظ عرفی، حقوقی و فقهی، مرز دقیقی برای آن تعیین نشده است. چون اوضاع شرایط محیطی، وراثتی و تغذیه در آن

مؤثر است. اما با پیدایش یکی از حالات فوق انسان از وضعیت کودکی خارج و به دوره ای نوجوانی و جوانی وصل می‌گردد.

ادبیات داستانی

«ادبیات داستانی در معنای جامع آن به هر روایتی که خصلت ساختگی و ابداعی آن بر جنبه ی واقعی و تاریخی اش بچربد گفته می‌شود از این رو ظاهراً باید همه ی انواع خلاقه ی آثار ادبی را در بر بگیرد چه نظم و چه نثر، اما در عرف نقد امروز به آثار روایتی خلاقه ی منشور، ادبیات داستانی می‌گویند» (میرصادقی، واژه نامه هنر داستانی، ص ۱۱۰).

«این اصطلاح کلاً به آن دسته از آثار روایتی منشور اطلاق می‌شود که جنبه ی خلاقه ی آن‌ها بر واقعیت غلبه دارد و شامل (قصه) داستان کوتاه، داستان بلند، رمان و رمان کوتاه می‌شود موضوعات مورد توجه ادبیات داستانی معمولاً تخیلی و ساخته و پرداخته ی یک ذهن خلاق است و به بیان امور حقیقی یا حقایق تاریخی نمی‌پردازد، اما چنانچه درونمایه ی یک قالب ادبی از حقایق تاریخی با واقعتهای دیگر مایه گرفته باشد، معمولاً آن را با عناوین (داستان تاریخی) یا (زندگینامه ی داستانی) و عباراتی نظیر اینها مشخص می‌کند» (داد، فرهنگ اصطلاحات ادبی، ص ۲۶).

«ادبیات داستانی اصطلاحی است که به طور کلی به یک اثر تخیلی منشور اطلاق می‌شود. این اصطلاح البته شامل حال شعر و نمایشنامه نیست. امروزه ادبیات داستانی حاوی رمان، داستان کوتاه، ناول (novella) می‌باشد پس این اصطلاح بیشتر با روایت‌های منشور سرو کار دارد و گاهی مترادف با رمان بکار می‌رود» (آژند، مجله ی ادبیات داستانی، عناصر داستان، شماره ی ۴۰، ص ۲۶).

با توجه به تعاریفی که از ادبیات داستانی بیان شد معلوم می‌شود که مهم ترین ویژگی ادبیات داستانی جنبه ی خلاقیت و نو آوری آن است که می‌توان به کمک آن حتی وقایع مستند تاریخی تاریخ بیهقی را هم به صورت داستان و ادبیات داستانی باز آفرینی کرد و با هنرمندی آن‌ها را به صورت قصه و حکایت و رمان و داستان بلند و داستان کوتاه بیان کرد.



مهم‌ترین اهداف ادبیات داستانی کودک

- الف) آماده کردن کودک برای شناختن، دوست داشتن و ساختن محیط.
- ب) شناساندن کودک به خویشتن، ایجاد احترام به اصالت انسانی و میل به اعتلای مدام.
- ج) سرگرم کردن و لذت بخش بودن.
- د) علاقه‌مند کردن کودک به مطالعه و ایجاد عادت به آن.
- ه) ایجاد و تقویت صلح در جهان (ایمن و همکاران).

تاریخ ادبیات ایران کودک و نوجوان

تاریخ ادبیات کودک و نوجوان در همه کشورهای جهان کما بیش چهار مرحله داشته است:

اول: آفرینش و انتقال آثار ادبی به صورت شفاهی.

دوم: گردآوردن و نوشتن آثار ادبی شفاهی.

سوم: پدید آوردن آثار ادبی با الهام از آثار شفاهی.

چهارم: آفرینش آثار ادبی ویژه‌ی کودک و نوجوان.

فولکلور یا فرهنگ عامه همچنان که سرآغاز پیدایی همه‌ی هنرهاست، سرآغاز ادبیات و به خصوص ادبیات کودکان نیز است. لالایی‌ها، مثل‌ها، ترانه‌های کودکان، افسانه‌های خردسالان، داستان‌های ماجراجویی و حماسی و عاشقانه و اسطوره‌ها که همه زائیده‌ی تخیل و تفکر مردم اعصار مختلف هستند؛ بنیاد و اساس ادبیات کودکان و نوجوانان را تشکیل می‌دهد. بنابراین ادبیات کودکان سرچشمه در فولکلور و فرهنگ عامه دارد و به کهنسالی زندگی بشر بر روی زمین است (انوشه، حسن؛ دانشنامه‌ی زبان فارسی، ص ۵۹).

ادبیات کودکان و نوجوانان به معنی واقعی آن، یعنی نوشته‌هایی که در آن حس و حال کودکانه حاکم باشد، به زبان و نثری مناسب سطح سواد کودکان نوشته شده و معمولاً همراه با تصاویر است؛ به عنوان یک شکل ادبی مستقل تقریباً از نیمه‌ی دوم سده‌ی هجدهم میلادی در جهان پدید آمده است. در ظهور دیر هنگام این نوع ادبیات، عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بودند. پیش از عصر جدید (رنسانس) به کودکان بیشتر همچون بزرگسالانی کوچک نگریسته می‌شد و ادبیاتی

ویژه‌ی نیازهای خاص و سطح درک و فهم آنان ضروری شمرده نمی‌شد. در کشورهای اروپایی، یکی از کتاب‌های چاپی ویژه‌ی کودکان «جهان مرئی در تصاویر» (۱۶۵۸م) از «کومنیوس» (۱۵۹۲-۱۶۷۰م) است. کتابی که آموزشی و درسی بود، ولی نخستین کتاب مصور کودکان به شمار می‌آید. بعدها «شارل پرو» در فرانسه و «برادران گریم» در آلمان، قصه‌های کهن و معروف سرزمینشان را گردآوری و بازنویسی کردند که این کتاب‌ها بسیار مورد توجه قرار گرفت و در کشورهای مختلف از جمله ایران ترجمه شد. در سده‌ی نوزدهم میلادی تصاویر نقش برجسته‌ای در کتاب‌های کودکان یافتند و همچون امروز برای جلب توجه کودکان به داستان‌ها کمک به آنها برای تجسم شخصیت‌ها و کنش‌های داستانی به کار رفتند. این نوع ادبیات تا سده‌ی بیستم به عنوان یک نوع ادبی عمده تکامل یافت و شکل پذیرفت و در این سده به اوج تکامل خود رسید (همان).

ادبیات کودک و نوجوان در ایران

شاید اغراق نباشد اگر بگوئیم ایرانیان از قدیم به امر تربیت کودک توجه ویژه‌ای قایل بوده‌اند و آن‌را یکی از وظایف مهم والدین می‌دانسته‌اند، به طوری که کمتر نوشته ادبی را می‌توان یافت که به تربیت کودک و ضرورت آن اشاره نکرده باشد. لکن نقطه ضعفی از دیدگاه روان‌شناسی و آموزش و پرورش در آنها دیده می‌شود، این است که در تمام آنها کودک کوچک شده بزرگ سالان پنداشته شده، و به آینده کودک بیش از حال او توجه شده است؛ به همین سبب ادبیات کودکان به معنا و مفهومی ما امروز از آن داریم در ایران کاملاً تازگی دارد و شاید تاریخ آن به ربع قرن بیشتر تجاوز نکند (شعاری نژاد، ۱۳۷۰).

نخستین فرهنگ‌نامه‌ی کودکان و نوجوانان به نام «نصاب‌الصیبان» توسط ابونصر فراهی در قرن هفتم تدوین شد. فراهی با توجه به حافظه‌ی نیرومند کودکان و دلبستگی آنان به شعر، واژه‌هایی را در شعرهای نصاب‌الصیبان گردآورد تا کودکان با ازبر کردن آن اشعار، واژه‌های عربی هر شعر را به یاد بسپارند. وی همچنین در لابه‌لای شعرهای کتاب، آگاهی‌هایی درباره‌ی قرآن کریم، اصول دین، نام‌ها و القاب پیامبر، امامان شیعه، بیماری‌ها و ماه‌های سال و... گردآورده است. این فرهنگ‌نامه‌ی کوچک بیش از هفت قرن است که بر زانوی اطفال مسلمان ایران و ماوراءالنهر و



هندوستان و ترکیه قرار داشته است و ظاهراً نخستین کتابی است که پس از قرآن کریم برای آموختن زبان عربی برای کودکان به کار می‌رفته است (محمدی و همکاران، ۱۳۷۹). کسی که برای اولین بار داستان‌های عامیانه‌ی ایرانی را مخصوصاً جمع‌آوری و منتشر کرد «ابولفضل صبحی مهتدی» بود. لازم است اشاره شود که صبحی نخستین کسی نبود که به جمع‌آوری ادبیات عامیانه در ایران اقدام کرد، بلکه سال‌ها قبل از او «صادق هدایت» این کار را کرده بود؛ ولی صبحی کسی بود که ادبیات عامیانه را برای کودکان و نوجوانان جمع‌آوری نمود و در واقع از این نظر کارش را می‌توان هم‌ردیف کار «برادران گریم» در آلمان و «شارل پرو» در فرانسه دانست (حجازی، ۱۳۸۵).

قبل از آن که ادبیات نوین کودک در ایران پایه‌گذاری شود، زمینه‌های آن در دوره‌ی مشروطه ایجاد و فراهم شد. تحول مهمی که در ادبیات مشروطه اتفاق افتاد، گرایش و حرکت شعر از دربارها و خواص بین مردم و عوام بود. این حرکت کلی در زبان شعر، مضامین و محتوا و دیگر جوانب آن تأثیر گذاشت. در بین اشعار این دوره شعرهای کودکان نیز یافت می‌شوند. اگرچه این شعرها هنوز از فضای پند و اندرز پدرانه برای کودک خالی نیست، اما به هر حال نخستین گام‌هایی است که به سوی ادبیات کودک برداشته می‌شود. از جمله‌ی این شاعران می‌توان به ایرج میرزا (۱۲۹۱-۱۳۴۳ ه.ق) اشاره کرد. وی را شاید بتوان اولین شاعری دانست که اشعاری برای کودکان و در خور فهم ایشان سروده است. غیر از او حاجی میرزایحیی دولت‌آبادی (۱۲۷۹ ه.ق - ۱۳۱۸ ه.ش) از روشنفکران دوره‌ی مشروطه، مهدی قلی‌خان هدایت (مخبرالسلطنه)، محمدتقی ملک‌الشعراى بهار (۱۲۶۶-۱۳۳۰ ه.ش)، نیما یوشیج اشعاری برای کودکان سروده‌اند (محمدی). پایه‌گذاری ادبیات نوین کودکان از آذربایجان و جبار عسکرزاده (باغچه‌بان) شروع شد. او در سال ۱۲۶۴ ه.ش به دنیا آمد و در سال ۱۳۴۵ درگذشت. بزرگ‌ترین ابتکار او انتخاب وزن‌ها و قالب‌هایی نزدیک به ترانه‌های عامیانه است (همان).

در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ نویسندگان و شعراى دست به خلق آثاری زدند؛ مانند یحیی دولت‌آبادی، صنعتی‌زاده کرمانی (مؤلف کتاب رستم در قرن بیستم)، عباس یمنی شریف. در همین زمان مترجمانی چون علی‌نقی وزیری و مهری آهنی، افسانه‌های عامیانه‌ی ملل مختلف را به

فارسی برگرداندند. مجله‌ها و روزنامه‌ها نیز صفحاتی به کودکان اختصاص دادند. از سال ۱۳۳۲ گروهی به انتشار مجله‌ی پر ارزش «سپیده‌ی فردا» همت گماشتند و ضمن آشنا ساختن مریبان با اصول تربیت نوین، مسئله‌ی ادبیات کودک را مطرح ساختند. در سال ۱۳۳۸ همین مجله فهرست کتاب‌های مناسب کودکان و نوجوانان را برای اولین بار منتشر نمود. در همین سال‌ها سیل ترجمه از ادبیات کودکان جهان به سوی کودکان ایران سرازیر شد (هاشمی نژاد، ۱۳۷۱).

سال ۱۳۴۰ نقطه عطفی در تاریخ ادبیات کودک و نوجوان است. در این سال چرخشی بنیادین در کتاب‌های درسی پدیدار شد. روش تدریس و مطالب کتاب‌های جدید، سن مطالعه را تقریباً سه سال پایین آورد و بدین ترتیب جمعیت کتاب‌خوان چندین برابر شد. در همین سال نخستین کتاب بدون ادبیات کودک چاپ شد. در سال ۱۳۴۱ شورای کتاب کودک کار خود را شروع کرد و در سال ۱۳۴۴ کانون پرورش فکری کودک و نوجوان به وجود آمد. (حجازی، ۱۳۸۵). سال‌های پس از ۱۳۴۰ را می‌توان دوره‌ی تازه‌ای در ادبیات کودک و نوجوان دانست. در این دوره اهمیت ادبیات کودک در رشد فکری و پرورش اندیشه و تخیل از دوران کودکی و نوجوانی در ایران شناخته شد. ویژگی عمده‌ی این دوره توجه به نیازهای کودکان و رشد ادبیات ویژه‌ی آنان در برابر آثار ترجمه شده است (انوشه).

ادبیات کودک در دهه‌ی ۵۰ و ۶۰ سرعت بیشتری یافت. رشد روزافزون جمعیت و جوان شدن آن، و بالا رفتن درصد دانش‌آموزان و بهبود نسبی اوضاع اقتصادی، توجه به کودکان و نوجوانان را افزایش داد. پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ هشیاری اجتماعی کودکان ایرانی را بالاتر برد و بر وسعت تجربه‌های آنان افزود و زمینه‌های دیگر را برای کار نویسندگان و شاعران فراهم نمود. در این دو دهه مخصوصاً پس از انقلاب، صحبت از یک شاعر و یک نویسنده یا یک تصویرگر نیست. در همه‌ی زمینه‌ها رشد و گسترش مشاهده می‌شود و خواه‌ناخواه درصد کارهای نامناسب و مبتذل نیز فزونی یافت و همزمان با آن سخت‌گیری و جدیت بیشتری در زمینه‌ی نقد کتب کودکان به وجود آمد. در این ایام به اسامی علی‌اشرف درویشیان، فریدون دوستدار، رضا رهگذر، قدسی قاضی‌پور و به خصوص هوشنگ مرادی کرمانی برمی‌خوریم (حجازی، ۱۳۸۵).



ادبیات کودکان در دهه‌ی ۷۰ همراه با تعمیق برنامه‌های دهه‌های گذشته، ورزیدگی در اجرای فعالیت‌ها، تسهیل ارتباطات بین‌المللی علاوه بر دستیابی به اطلاعات، حضور ادبیات کودکان و نوجوانان ایران و فعالان این زمینه را در عرصه جهانی پررنگ‌تر نمود. در این دهه، فعالیت شامل حال همه کودکان و نوجوانان شد؛ از کودکان معلول - که آغاز فعالیت برای آنها در دهه‌ی قبل است - تا کودکان پناهندگان به ایران یا کودکان کانون اصلاح و تربیت. یکی از اقدامات اساسی و اصولی این دهه، تهیه و تدوین فرهنگ‌نامه‌ی کودکان و نوجوانان توسط شورای کتاب کودک است که در تابستان ۱۳۷۹ جلد ششم آن نیز منتشر شد. آغاز تهیه‌ی «تاریخ ادبیات کودکان و نوجوانان» نیز این دوره است (همان).

انواع ادبیات کودک و نوجوان

الف) داستان: داستان‌های واقعی و افسانه‌ها.

ب) غیر داستان: شامل مطالب علمی، کتاب‌های مربوط به اجتماع و محیط، کتاب‌هایی درباره‌ی اختراعات و اکتشافات، زندگی‌نامه و شرح حال و....

ج) شعر: شامل لالایی‌ها، اشعار بی‌معنی و پوچ، اشعار شوخی آمیز بی‌سر و ته، قصه و حکایات منظوم است (همان).

تأثیر ادبیات داستانی بر رشد و تفکر کودک

ابزار اصلی آموزش تفکر در برنامه فلسفه برای کودکان داستان است زیرا استفاده از داستان این فرصت را برای کودکان فراهم می‌کند که درباره ایده‌های مهم با یکدیگر بحث کنند. علاقه به داستان و داستان‌خوانی فطری است و ما، همان‌گونه که برای زندگی به هوا، آب، خواب و غذا نیاز داریم، به داستان‌ها نیز احتیاج داریم و سعی در اثبات ارزش داستان سعی در ثاب‌ت‌کردن چیزی آشکار است که همه از آن آگاهی دارند (Haven, 4:2007). به نقل از رشتچی، (۱۳۸۹).

داستان می‌تواند دنیایی خیالی را به منزله موضوع کاوش فکری خلق کند زیرا داستان ساختاری هوشمندانه دارد که، در عین این که ما را از بندای نجا و اکنون رها می‌کند، به بیان روال عادی

وقایع می‌پردازد، وسیله‌ای برای درک جهان و خویشتن است و دغدغه‌های بشری را در خود جای می‌دهد. به عبارت دیگر، همان‌گونه که فیشر معتقد است لایه‌های متفاوت معنایی و مفهومی در داستان‌ها به خواننده کمک می‌کنند تا به بینشی نو در مسائل مختلف زندگی دست یابد (فیشر، ۲۰۰۳: ۱۳۵). از کارکردهای داستان پیدایش سؤالاتی در ذهن خواننده است از کارکردهای داستان است که اعتقادات و باورها و درست‌ها و نادرست‌ها در روابط انسانی و اجتماعی را هدف قرار می‌دهد.

نقش داستان خلق استعاره‌ای برای زندگی واقعی انسان‌هاست و همین موجب پیوند انسان با آن است. مشخصه مهم این استعاره تمرکز حول محور شخصیتی خاص است که هدف و انگیزه دارد و برای رسیدن به هدفش با موانعی روبه‌روست؛ و همین پیرنگ داستان را شکل می‌دهد. جریان مبارزات این شخصیت و حوادثی که برای او روی می‌دهد به خواننده هم مربوط می‌شود (Haven، ۲۰۰۷: ۴). به نقل از همان) و خواننده را به تفکر وامی‌دارد. آنچه در داستان ترسیم می‌شود کم و بیش شبیه آن چیزی است که هر انسانی می‌تواند در زندگی واقعی خود تجربه کند. اگر وقایع داستان خوب پی‌ریزی شده باشند، واکنش‌های عاطفی ما را تنظیم می‌کنند، همین معنای عاطفی، طرح داستان را شکل می‌دهد (فیشر، ۲۰۰۳: ۱۳۶). می‌توان گفت که زندگی بشر نیز نوعی داستان منسجم است، که هر کس در آن نقشی دارد و به شکلی به اصالت وجود و حقیقت مرگ معنا می‌بخشد. این روایت از زندگی که قدرت تخیل انسان‌ها را تقویت می‌کند تا از تجربیات منعکس در آن‌ها بیاموزند و آن‌ها را در زندگی واقعی به کار گیرند. اگان بر آن است داستان‌ها دارای نیروی عاطفی هستند و یکی از دلایل وجود این نیروی عاطفی در داستان‌ها این است که، برخلاف تاریخ و زندگی، آغاز و پایان دارند و به همین سبب می‌توانند به وقایع معنا بخشند. به عبارت دیگر، در حالی که در زندگی نوعی آشفتگی وجود دارد، در داستان همه چیز مشخص و تعیین شده است. پایان داستان آنچه را در ابتدا مطرح شده و در روند داستان پرورش یافته است، از نظر منطقی، کامل می‌کند و یا، از نظر عاطفی، برآورده می‌سازد. به همین علت، پایان داستان نقش عاطفی گسترده‌ای در جذابیت داستان دارد. انسان‌ها به این پایان نیاز دارند، زیرا در زندگی واقعی همیشه در جریان رویدادهای زندگی قرار دارند و نمی‌توانند به قدر کافی در آن‌ها تأمل کنند و در مورد معنی و مفهوم شان درست بیندیشند. در



حالی که داستان این امکان را فراهم می‌کند و خواننده می‌داند که به پایان ماجرا رسیده است؛ می‌داند چطور راجع به وقایع آن فکر کند و چه احساسی داشته باشد. البته داستان‌هایی هم هستند که عناصر خیالی و تاریخی را با هم درمی‌آمیزند و این ممکن است با زندگی روزمره خواننده فاصله داشته باشد، اما آنچه اهمیت دارد این است که داستان ادبی خوب ادراکی را خلق می‌کند که موجب می‌شود کودک بتواند گریاییداستان را دریابد، در رویدادهای داستان تأمل کند و تجربه‌های موجود در آن را درک کند. نکته مهم این است که داستان‌ها کشش عاطفی ایجاد می‌کنند و، با طرح چالش‌های ذهنی، موجب رشد شناخت در کودکان می‌شوند.

استفاده از زبان کلیدواژه داستان و داستان خوانی است، زیرا کلمات، بر طبق نظر ویگوتسکی نشانگر تفکرند (Vygotsky, ۱۹۸۶:۲۵۱). ارتباط فکری بین انسان‌ها از طریق زبان به دست می‌آید، با استفاده از زبان می‌توان به چیزهای مشاهده‌نشده دست یافت و، بدون نیاز به تجربه کردن، درباره تجارب دیگران به گفت و گو پرداخت. کودکان از طریق زبان به ادبیات پاسخ می‌دهند، پاسخ هایشان را روشن می‌کنند و تعمیم می‌بخشند، و در عین حال به درکی عمیق از اثر ادبی و اصول آن می‌رسند. گفت و گوی هدفمند، پس از تجربه خواندن یک اثر ادبی همان گونه که اسلون می‌گوید نقش آزمایشگاه را پس از تدریس نظری علوم دارد (Sloan, ۱۹۹۱:۱۳۲). گفت و گو تجربه ایده‌ها، کشف مفاهیم، مشاهده، و نتیجه‌گیری را فراهم می‌کند (ibid:۱۳۳).

داستان محرک تفکر و تخیل کودک است. داستان خوانی جمعی می‌تواند مشارکت او را برانگیزد و او را ترغیب کند تا به شخصیت‌ها شکل دهد، درباره وقایع مختلف داستان فکر کند، به جست‌وجوی راه حل پردازد، خود را در موقعیت شخصیت‌های داستان بگذارد و در آن موقعیت تصمیم بگیرد. داستان خوب می‌تواند در کودک انگیزه ایجاد کند و دقت و تمرکز فکری او را جلب کند تا بتواند آنچه را فراگرفته است در زندگی واقعی به کار گیرد.

به علت وجود عناصر (مانند زمینه، پیرنگ، شخصیت، آهنگ)، موضوع‌ها و روابط مختلفی که در روند رویدادها خود را نشان می‌دهند، داستان می‌تواند پیچیده‌ترین موضوع فکری برای کودک باشد. دریافت و درک داستان مستلزم توجه مکرر و کوشش برای فهمیدن است. برای این که کودک مجذوب داستان شود، باید توجه و تفکر ترکیب و بر داستان متمرکز شوند و بتوانند پاسخ عاطفی کودک را برانگیزند. داستان برای کودک در حکم بخشی از واقعیت است

که می‌توان بر آن تکیه کرد و شاید برای همین است که درک صحیح آن و دوباره شنیدن آن بسیار مهم است. بازگویی و بازسازی داستان‌ها یکی از راهکارهای اصلی در آموزش تفکر فلسفی است و بخشی از چالش شناختی نه تنها از درک عناصر داستانی بلکه از رابطه بین داستان و واقعیت حاصل می‌شود (فیشر، ۲۰۰۳: ۱۳۷ به نقل از همان).

نتیجه‌گیری

از آنچه بحث شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که داستان‌ها برای رشد تفکر کودک یا همان فلسفه ورزی کودک ابزار مناسبی هستند. امروزه استفاده از داستان و داستان خوانی به منزله ابزاری برای پیشبرد تفکر کودکان ضروری است.

ادبیات کودک با عناصر گوناگون ادبی به انسجام فکری کودک، قدرت تخیل، تمرکز، و داوری او کمک می‌کنند. بر خلاف آنچه برخی از دست‌اندرکاران آموزش فلسفه برای کودکان تصور می‌کنند، برای آموزش فلسفه که همان آموزش تفکر است لزومی ندارد داستان‌هایی خاص تهیه و تدوین شوند و از بسیاری از داستان‌های موجود می‌توان به منزله منبعی غنی از پرسش، خلاقیت، و حل مسئله بهره جست.

منابع و مآخذ

- انوشه، حسن؛ دانشنامه‌ی زبان و ادب فارسی، تهران، سمت، ۱۳۷۶، چاپ اول، جلد ۲.
- ایمن، لیلی (و دیگران)؛ گذری بر ادبیات کودکان، تهران، شورای کتاب کودک، بی تا و چاپ اول.
- حجازی، بنفشه؛ ادبیات کودکان و نوجوانان، ویژگی‌ها و جنبه‌ها، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۵، چاپ نهم.
- رشتچی، مژگان، تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۹.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر؛ ادبیات کودکان، تهران، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۰، چاپ پانزدهم.
- محمدی، محمدهادی؛ و قاینی، زهره؛ تاریخ ادبیات کودکان ایران، تهران، بنیاد پژوهش‌های تاریخ کودکان ایران، ۱۳۷۹، جلد ۲، ص ۱۹۸-۲۰۱.
- هاشمی نسب، صدیقه؛ کودکان و ادبیات رسمی ایران، تهران، سروش، ۱۳۷۱، چاپ اول.